

عنوان: بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظاهر و هویدا

قسمت روحانی

- ۱- مناجات شروع
- ۲- نصوص حضرت بهاءالله
- ۳- نصوص حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

- ۴- مشورت یکی از اصول بنیادین آیین بهائی
- ۵- اصول مشورت
- ۶- تأثیرات مشورت در خانواده
- ۷- حکایت
- ۸- شور و مشورت

قسمت اجتماعی

- ۹- برنامه نونهالان
- ۱۰- تنفس و پذیرایی
- ۱۱- مناجات خاتمه

دوستان عزیز

در این برنامه سعی گردیده است به یکی از گرانبهاترین گوهرهایی که امر مبارک به ما هدیه نموده است یعنی (شور و مشورت) بپردازیم و بررسی نمائیم که تا چه حد در حل مسائل شخصی ، خانوادگی و اجتماعی از آن بهره می بریم امیدواریم با مطالعه این برنامه هر یک از ما بیش از پیش به این امر مهم توجه نمائیم

هو الله

ای پروردگار ، این جمع را مظهر عواطف رحمانیه فرما و مطالعِ الطاف سبحانیه نما . از بحر بی کران ، سیراب کن و از آفتابِ مطلعِ حقیقت ، روشن و تابان نما . فیضی بخش که انوارش در صبح ابدی منتشر ؛ عنایتی کن که آثارش در مُلک سَرمدی مشتهر . توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان . اَنْکَ اَنْتَ الْکَرِیْمُ الْمُتَعَال . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۲۱۲

نصوص حضرت بهاءالله

حضرت موجود میفرماید آسمان حکمت الهی به دو نیر روشن و منیر مشورت و شفقت . در جمیع امور به مشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت . راه نماید و آگاهی عطا کند. ۱

و در بیان دیگر می فرمایند:

بگو هیچ انسانی به مقام واقعی خود نمی رسد مگر به عدل و انصاف و هیچ قدرتی باقی نمی ماند مگر به اتحاد و به هیچ سعادت و رفاهی نمی شود نائل گشت مگر به مشورت. (ترجمه) ۲

آراء نفوس متعدده البتّه بهتر از رأی واحد است؛

"در خصوص مشورت مأمورٌ بها سؤال نموده بودید از مشورت مقصود آنست که آراء نفوس متعدده البتّه بهتر از رأی واحد است؛ نظیر قوت نفوس کثیره البتّه اعظم از قوّت شخص واحد است لهذا شور مقبول درگاه کبریا مأمورٌ به و آن از امور عادیّه شخصیّه گرفته تا امور کلیّه عمومیّه . مثلاً ... اگر اهل قریه ای بجهت امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند البتّه طریق صواب نمودار شود و همچنین هر صنف از اصناف مثلاً اهل صنعت در امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند و تجار در مسائل تجاریّه مشورت کنند. خلاصه شور مقبول و محبوب در هر خصوص و امور " ۱.

درفکر یکدیگر باشید تمشیت امور یکدیگر دهید

"امور را جزئی و کلی بمشورت قرار دهید برای خویش بدون مشاورت ، در امر مهمّی مباشرت ننمائید. در فکر یکدیگر باشید تمشیت امور یکدیگر دهید. غصّه یکدیگر خورید. افراد ملت را محتاج مگذارید. معاونت همدیگر کنید تا کلّ متّحداً متّفقاً حکم یک هیكل پیدا کنید" ۲.

مشورت از اعظم وسائط راحت و سعادت نفوس

"قضیه مشورت در امور بسیار مهمّ و از اعظم وسائط راحت و سعادت نفوس . مثلاً نفسی چون در امر خویش حیران باشد و یا آنکه کاری و کسبی خواهد باید احبّای الهی محفلی بیاریند و تدبیری در امر او بنمایند و او نیز باید مجری دارد و همچنین در امور عمومیّه چون مشکلی حاصل گردد و عسرتی روی دهد باید عقلاء مجتمع گشته مشورت نمایند و تدبیری کنند؛ بعد توکل بحقّ کنند و تسلیم تقدیر شوند تا هر نوع جلوه گر گردد و پیش آید و شبهه ای نیست که عون و عنایت حقّ دستگیری کند. مشورت از اوامر قطعیه ربّ البریه است." ۳

حضرت بهاءالله حکم مشورت را یکی از اصول بنیادین آیین بهائی مقرر داشته و "بلوغ و ظهور خرد" را موقوف به آن دانسته و تأکید فرموده اند که تمسک به مشورت "سبب و علت آگاهی و هوشیاری و خیر و سلامتی بوده و خواهد بود." هم چنین می فرمایند: "مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظن و گمان را به یقین تبدیل نماید اوست سراج نورانی در عالم ظلمانی راه نماید و هدایت کند." مشورت راه گشای امور فردی و اجتماعی بوده رشد و پیشرفت و اتحاد پایدار جامعه را تضمین می نماید و برای تمشیت امور بشری ضروری است. حضرت عبدالبهاء آن را "سبب فتوح کلی در امور" و "جاذب عون و عنایت حق" دانسته اند.

پیام بیت العدل مورخ ۱۹ می ۲۰۰۹

همانطور که مطلع هستید مشورت بهائی باید در نهایت محبت و صمیمیت و اتحاد صورت گیرد. کسانی که به مشورت می پردازند باید با تبتل و ابتهال و اشتیاق به کسب تأییدات از افق ابهی، نظرات خود را با کمال آزادی و بدون پافشاری بر عقاید شخصی و با رعایت ادب و احترام کامل ابراز دارند و به منظور نیل به اتحاد نظر با دقت و تمعن و انصاف به اظهارات دیگران توجه نمایند. حضرت عبدالبهاء توصیه می فرمایند که اگر تصمیم گیری در مورد موضوعی به بحث های طولانی و یا خدای ناکرده مشاجره و اختلاف منجر گردد می توان آن را موقتاً متوقف ساخت و در وقت مناسب دیگری مجدداً به آن پرداخت. مطمئن باشید که با مساعی خالصانه خود در اجرای این اصول از طریق مشورت در بین خانواده ها و یا در گروه های کوچک و به مدد تأییدات الهی و به قوه میثاق به حل و فصل اکثر مسائل توفیق خواهید یافت. در این مورد باید توجه داشت که هدف از مشورت همیشه وصول به تصمیمی نهایی نیست بلکه در بسیاری از موارد منظور تبادل افکار جهت روشن تر شدن مواضع و ایجاد وحدت نظر است. البته به این نکته نیز واقفید که رسیدگی به بعضی از مسائل به نحو مطلوب شاید در شرایط فعلی امکان پذیر نباشد لذا باید آن را در نهایت صبر و بردباری به آینده موقوف نمود.

پیام بیت العدل مورخ ۱۹ می ۲۰۰۹

خبر گسترش مشورت در بین خانواده های احبا برای تمشیت امور فردی و اجتماعی خود موجب سرور و امتنان این جمع است. مشورت از جمله اصول بنیادین این آیین نازنین و اسباب لازمه حیات بهائی است. استفاده از این هدیه پر بها و ارزشمند الهی منحصر به مؤسسات امری نیست بلکه افراد و خانواده ها نیز به آن مکلف و موظف هستند. مطمئن باشید که ترویج فزاینده مشورت در بین خانواده ها کمک شایانی به بلوغ و کارآیی جامعه خواهد نمود و شما را برای خدمات وسیع تری آماده خواهد ساخت. در انجام وظایف روحانی و اجرای امور مربوط به احوال شخصی مشوق و حامی یکدیگر باشید و جهد نمائید تا اغلب تصمیمات لازم در سطح خانواده ها اتخاذ گردد.

پیام بیت العدل مورخ ۱۸ مارچ ۲۰۰۹

حکایت

خاطره ای که جناب طراز از آن دوران به عنوان یکی از تجربیات پرارزش زندگی یاد کرده اند چنین است:

خادم حجره به واسطه بیماری و یا سبب دیگر چند روزی غایب شد و نظافت حجره انجام نگرفت روزی این مطلب را با دفتردار در میان گذاردم و با لطافت یادآوری کردم که بهتر بود حجره را تنظیف سازد. اما او که صاحب اداره نبود و شغل خاص حسابداری را به عهده داشت متعذر شد و اظهار داشت که پدر شما بنده را به عنوان حسابدار و کاتب معین فرموده اند نه به عنوان نوکر، و او فقط مسئول کار خود می باشد. صاحب حجره و اداره است که در حقیقت مسئول واقعی امور سائره میباشد و جبران هر نقصی با او است. این تذکر حکیمانه را بجا دانستم و چون صاحب حجره بودم سحرگاه روز بعد قبل از آمدن دفتردار به حجره رفتم به تنظیف آن پرداختم. درحین جارو کردن و نظافت خوشحال بودم. از خود پرسیدم چرا من از انجام این کار راضی هستم و دفتردار ناراضی است؟ به علتش پی بردم. این حجره حجره من و پدر من است، متعلق به من است. ولی این شخص برای گرفتن مزد اینجا آمده است. شغل خاصی به عهده دارد و به این علت متعذر است. اما من برای دریافت مزد کار نمیکنم. تذکر او از جهتی حکیمانه بود و مرا متذکر نمود. به خودم و به احبا میگفتم که خویشتن را صاحب خانه در امر الهی بدانیم نه میهمان و برای هر خدمتی مهیا و آماده باشیم و احساس مسئولیت نمائیم. لله خدمت کنیم نه برای منافع خصوصیه و شخصیّه. امر الهی را متعلق به خود دانیم و خود را متعلق به امرالله شماریم.

طراز الهی ج ۱ ص ۱۶۷

با توجه به حکایتی که شنیدیم به سؤالات زیر پاسخ دهیم

- ۱- آیا امر الهی را از خودمان می دانیم؟
- ۲- این نگرش توجه به چه اصولی را می طلبد؟
- به طور مثال : الف : در مقابل مشکلات دیگران چه عکس العملی داریم؟
- ب : با نیازهای امروزی جوانان چگونه برخورد می نمائیم؟
- ج : با مشکلات اقتصادی افراد جامعه چگونه روبرو می شویم؟
- ۳- در این میان نقش مشورت را چه می دانید؟

هوالله

ای پاک پروردگار ، جمعیم اُمّای امر تو ، گمنامیم منادی به اسم تو ؛ از هر نام و نشانی گذشته ایم و از ما سِوایت ، دو دیده دوخته . حَبَلِ هر وِلائی را گسسته ایم و به آئین جهان آرایت پیوسته . به امید تأییدات زنده ایم و به وعده جانپوررت ، دل بسته . در سبیلت مجاهدیم و قضایایت را شاکر و حامد . پس ای مولای توانا ، قوه بازو بنما و ید بیضاء از جیب اقتدار برون آر . قدرت و صولت دیرینه آشکار کن و صفوف اهل شبّهات را در هم شکن . آنچه را خود به ما سپرده ای در آغوش مَکْرَمَتِ محافظه نما و به سبیل رضایت دلالت کن . از هر قیدی و دامی برهان و به سرمنزل مقصود برسان . یاران و یاورانت را نصرت ده و برگزیدگان را تأیید بخش . بر هر مجمعی پرتو هدایت بیفکن و عقد هر مشورتی را به الهامات غیبیه ات ، مَدَد ده تا به یمن و مبارکی این روز فیروز و عصر جهان افروز ، خُدّام آستان در ظلّ تعلیمات مقدّسه ات ، مشروعات عظیمه ای تأسیس نمایند و منافع عمومیه ترویج کنند و وحدت جمع اهل بها را محافظه نمایند ... توئی مجیر ، توئی دستگیر ، توئی بیننده و توئی شنوا . بنده آستانش شوقی